

خودباوری و هوش

ناصرالدین کاظمی حقیقی

در پدید آبی خودباوری فرد، عوامل عمده‌ای تأثیر می‌گذارند. یکی از اساسی‌ترین این عوامل، هوش و توانایی یادگیری فرد است. تحوّل پذیری خودباوری از هوش، از دیرباز مورد توجه و علاقه پژوهشگران و نظریه پردازان در حوزه روان شناسی نگرش بوده است، اما هنوز از زاویه برخی چشم اندازها، رابطه میان هوش و خودباوری در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. به بیان دیگر، جنبه‌ها و پدیده‌های متنوعی بر شکل‌گیری خودباوری در بستر و زمینه هوش تأثیر می‌گذارند.

در این مقاله کوشش شده است تا به نقش برخی از بنیادی‌ترین پدیده‌های مؤثر در همبستگی «هوش» و «خودباوری» توجه شود: «جنسیت»، «تحوّل سنی»، «برنامه آموزشی»، «نوع خودباوری»، و «ابزارها»، عوامل مهمی هستند که رابطه میان هوش و خودباوری را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین، با توجه به جدیدترین دستاوردهای علمی و پژوهشی، نقش هر یک از آنها به اختصار مورد بررسی قرار گیرد.

«سمپاد»

نقش جنسیت

رابطه «خودباوری» و «هوش»، بستگی به جنسیت دارد. مطالعات و پژوهش‌های موجود، نقش جنسیت را در این همبستگی، نشان می‌دهند:

«جنسیت می تواند تفاوت های حرمت خود را در میان کودکان تیزهوش و غیر تیزهوش تعدیل کند.

نتیجه یکی از گزارش های پژوهشی آن بوده که پسران تیزهوش دبیرستانی که در یک برنامه ویژه تیزهوشان مشارکت داشتند، نمرات عالیتری در خودباوری کلی و خودباوری های تحصیلی و اجتماعی نشان دادند، اما دختران تیزهوش در مقایسه با دختران غیر تیزهوش، برتری نداشتند.

ابزارهای مورد استفاده مقیاس خودباوری تنسی و مقیاس خودباوری تحصیلی بود. البته این یافته بدین معنا نیست که خودباوری دختران تیزهوش از پسران تیزهوش پایینتر است. از سوی دیگر همچنین یافت شده است که دختران و پسران تیزهوش در ریاضی در هر دو مقیاس خودباوری (برگه تشخیص شخصیت و فهرست)، نمرات همسانی کسب کردند.^{۱۰}

«دویست و هشتاد و چهار دانشجوی تیزهوش و مستعد دختر دبیرستانی که خودشان را متفاوت می دانستند، خودنگری های کفایت اجتماعی برجسته ای بروز دارند که بر اساس فهرست رفتار اجتماعی تگزاس به عمل آمد.»^{۱۰}

«بررسی خودباوری دویست و شانزده دانش آموز پایه های هفتم و هشتم تحصیلی که از لحاظ توانایی ریاضی در سه سطح فوق العاده تیزهوش، توانا، و عادی قرار داشتند، نشان داد که توانایی ریاضی، صرفاً بر روی، دختران مؤثر است.»^{۱۱}

«مطالعه بر روی دویست و چهل تیزهوش، عادی و کند ذهن، نشان داد که پسران، نمرات بالاتری را در تشخیص و ارزشیابی خود بدست می آورند و در «خودپذیری» برتر از دختران و سایر گروه های عادی و کند ذهن هستند.»^{۱۲}

«مطالعه بر روی چهارصد و بیست تیزهوش و چهارصد و شصت و چهار دانش آموز عادی پایه های چهارم ابتدایی و سوم متوسطه، آشکار کرد که ویژگی های خودباوری دختران تیزهوش، مثبت تر از پسران تیزهوش بود.»

«برداشتها و موضع گیری های یکصد و بیست و دو دانش آموز تیزهوش پایه های چهارم تا هفتم تحصیلی نسبت به نقش های رهبری، از طریق دو فهرست مربوطه، ارزشیابی شد. در اولین فهرست، نقطه نظر تیزهوشان درباره رهبر مطلوب مورد بررسی قرار گرفت و دومین فهرست از آنها می خواست که به خود به عنوان رهبر، نمره دهند.

نتایج نشان داد که هیچ تفاوت معنی داری میان پسران و دختران در ارزشیابی خود به عنوان رهبر، و نیز ویژگی های رهبر مطلوب، وجود ندارد.»^{۱۳}

بررسی و تحلیل یافته‌ها و مطالعات فوق‌گویی آن است که قرائن متعددی برای برجستگی و برتری محرز خودباوری در جنس مذکر وجود دارد:
۱- آنها در پذیرش ویژگیها و توانمندیهای موجودشان، گرایش بیشتری نشان می‌دهند.

۲- قابلیت‌های خاص خود را می‌توانند بسنجند و این سنجش، شاخص معتبری در تشخیص هوشی آنها بشمار می‌آید.

۳- خودباوری تحصیلی و اجتماعی آنها (بویژه در مقطع تحصیلی دبیرستان). برتری قابل ملاحظه‌ای دارد.

۴- با توجه به مطالعات مربوط به بررسی «استعداد ریاضی» از حیث «جنسیت»، خودباوری ریاضی آنها برتر است. اگر این مبنا را برای جنس مذکر بپذیریم، برتری خودباوری دختران تیزهوش در پایه‌های چهارم ابتدایی و سوم متوسطه، می‌تواند ناشی از خاستگاههای زیر باشد:

۱- با توجه به تأثیر پذیری خودباوری کودکان و نوجوانان تیزهوش از برنامه آموزشی و نقش قابل ملاحظه مقتضیات محیطی (طبقه اجتماعی و اقتصادی) بر روی خودباوری و عزت نفس دختران نوجوانان تیزهوش به نظر می‌رسد که در این مطالعه، برنامه خاص بر روی جنسیت مؤنث تأثیر مثبت بیشتری گذاشته است، لذا خودباوری آنها در مقایسه با پسران، افزایش دارد.

۲- خودباوری کودکان و نوجوانان تیزهوش، تحت تأثیر نوع هوش و استعداد نیز قرار می‌گیرد. نوجوانانی که دارای استعداد تحصیلی هستند در خودباوری تحصیلی، برتری دارند. براین اساس، ظاهراً دختران مزبور دارای نخبگی تحصیلی برجسته‌ای بودند، لذا حداقل از جنبه تحصیلی، خودباوری بیشتری نشان داده‌اند.

با این توضیح، استعداد رهبری، خودباوری مشابهی را در میان دختران و پسران فراهم می‌آورد. در واقع نوعی تعامل میان جنسیت و استعداد در پدیدآیی خودباوری نوجوانان تیزهوش، دیده می‌شود؛ از این رو، مثلاً عزت نفس (حرمت خود) دختران تیزهوش، تأثیرپذیری خاصی از توانایی ریاضی نشان می‌دهد، در حالی که به نظر می‌آید نظیر چنین تأثیری برای جنس مذکر وجود ندارد.

با توضیحات فوق، به طور کلی می‌توان استنباط کرد که خودباوری جنس مذکر، برجستگی محرز دارد؛ اما نباید تعامل برنامه آموزشی، جنسیت و استعداد را در تکوین خودباوری از نظر دور داشت.

نقش تحول سنی

بررسی خودباوری کودکان و نوجوانان تیزهوش از مقطع سنی پیش دبستانی تا پانزده سالگی (پایه هشتم تحصیلی) جز در موارد معدودی، نتایج استواری را نشان می‌دهد که نقش تحول در تکوین و پدید آیی خودباوری را برجسته می‌کند: «گروهی از کودکان پیش دبستانی تیزهوش در مقایسه با همسالان غیر تیزهوش، خودباوری پایبندی را نشان دادند؛ گرچه در میان گروه مقایسه نیز، موارد متعددی از خودباوری پایین مشاهده شد.»^{۱۰}

«خودباوری، عزت نفس و روابط همسالی در میان دویست و هفتاد و یک تیزهوش پنج سال و نیم تا ده سال و نیم با میانگین هوشیهر ۱۳۹/۹، مورد بررسی قرار گرفت. این کودکان و والدین آنها، پرسش‌نامه‌هایی را پاسخ دادند که به اندازه‌گیری «رفتار تطبیقی» و محیط خانوادگی، خودباوری، و رفاقت و دوستی مربوط می‌شدند.»

چهل درصد تیزهوشان، خود را به عنوان فردی متفاوت از افراد عادی برداشت می‌کردند. نمرات عزت نفس، برای این گروه به طرز معنی داری پایبندی از افرادی بود که برای خود، تمایزی قائل نبودند.»^{۱۴}

«مطالعه خودباوری بیست تیزهوش چهار و پنج ساله و هجده تیزهوش شش و هفت ساله نشان داد که افراد تیزهوش، خود را از لحاظ حیطة شناختی، شایسته‌تر و لایقتر از همسالان غیر تیزهوش می‌دانستند؛ علی‌رغم آن که نتایج در مورد لیاقت اجتماعی، مبهم بود.»^{۱۶}

«مقایسه خودباوری کودکان تیزهوش شش تا ده ساله با همسالان غیر تیزهوش، تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای را از حیث قوی بودن خود نسبت به سایرین آشکار کرد. با این وجود، در حدود سی و هفت درصد آنها براساس مقیاس پیرز - هاریس نمره کمی بدست آوردند.»^{۱۶}

«براساس «آزمون شخصیتی کالیفرنیا»^۲ و «مقیاس موضعگیری و ارزش اجتماعی کودکان»^۴، تیزهوشان پایه سوم، خودباوری برتری نشان دادند.»^{۱۶}

«در مطالعه دیگر، تفاوت موضعگیری تیزهوش در مقایسه با فرد عادی در مورد صلاحیت شخصی نشان داده شد. پنجاه و سه دانش‌آموز تیزهوش و هفتاد و دو دانش‌آموز عادی در پایه‌های تحصیلی چهارم تا ششم مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزارهای اندازه‌گیری مربوط به برداشت شخصی از صلاحیت خود، جهت‌گیریهای کلاسی، موضع نظارت و اضطراب تحصیلی می‌شد.

گروه تیزهوش به طرز معنی‌داری نسبت به گروه عادی، در ارزشیابی شخصی از صلاحیت، احساسات مربوط به مهارت فردی و نیز ترجیح تصمیمگیری مستقل، عالیتر بود.^{۱۷}

«میان تواناییهای تحصیلی و خودباوری کودکان نه تا دوازده ساله رابطه معنی‌داری وجود دارد. چهل و هشت کودک مزبور در چهار گروه دوازده نفری (عقب‌مانده ذهنی، ناتوان در یادگیری، پیشرفته و تیزهوش) جای گرفتند. «مقیاس خودباوری پیرز - هاریس»^۷ بر روی آنها اجرا شد. میان این گروهها، تفاوتی در شش عامل مقیاس (رفتار، وضعیت هوشی و تحصیلی، شاخص بدنی، اضطراب، شهرت و خوشحالی) یافت شد. افراد پیشرفته و تیزهوشان، پاسخهای عالیتر و مثبت‌تری در مورد نگرش شخصی از توانایی تحصیلی و پیشرفت تحصیلی (در مقایسه با دو گروه دیگر) نشان دادند.^{۱۸}

«خودباوری دانش‌آموزان تیزهوش، عادی و ناتوان در یادگیری مورد مقایسه قرار گرفت. در این مطالعه، پنجاه و دو دانش‌آموز ناتوان در یادگیری، شصت دانش‌آموز عادی، و پنجاه و هشت تیزهوش در پایه‌های چهارم تا هفتم، فهرستی را که مربوط به ارزشیابی خودباوری و عزت نفس می‌شد، تکمیل کردند.

نتایج بررسی نشان داد که خودباوری تحصیلی در گروههای عادی و تیزهوش از افراد ناتوان در یادگیری بالاتر بود. گرچه ناتوانان یادگیری به تعداد کمی در جنبه‌های بدنی و اجتماعی از دانش‌آموزان تیزهوش، پیش تازی داشتند.^{۱۹}

«مطالعه بر روی دویست و شصت تیزهوش غیرتفکیکی و یکصد و پانزده تیزهوش و مستعد در پایه‌های پنجم تا هشتم تحصیلی آشکار می‌کند که دانش‌آموزان مسن‌تر، احساس گمنامی کمتری بروز می‌دهند و عزت نفس آنها در مقایسه با دانش‌آموزان خردسال‌تر، بیشتر است.

محققین نتیجه می‌گیرند که سن، در مقایسه با سایر عوامل، مشخصه مهمتری در رشد از جنبه روان‌شناختی محسوب می‌گردد.^{۲۰}

«تیزهوشان پایه هفتم تحصیلی (سیزده ساله) در مقایسه با همسالان غیرتیزهوش، احترام شخصی و اعتماد به نفس برجسته‌تری را نشان دادند؛ اما نتیجه برعکس آن

برای تیزهوشان پایه هشتم (چهارده ساله) در مقایسه با همسالان غیر تیزهوش بدست آمد.^{۱۰}

«بررسی خودباوری یکصد و چهل و هفت دانش آموز تیزهوش پایه‌های پنجم تا هشتم تحصیلی (یازده تا چهارده ساله) نشان داد که خودباوری دانش آموزان پایه هشتم (چهارده ساله) بر پایه‌های پایینتر، برتری دارد.»^{۱۱}

«عزت نفس پسران تیزهوش در ریاضی و علوم (چهارده ساله)، بالاتر از همسالان عادی بود و موضع نظارت آنها نیز درونی تر بود.

همچنین آشکار شد که عزت نفس و موضع درونی نظارت به طور مشترک چهل درصد پراکندگی پیشرفت تحصیلی تیزهوشان را تبیین می‌کند؛ حال آن که برای همسالان عادی، این تبیین معادل نوزده درصد بود.»^{۱۲}

«رابطه توانایی تحصیلی و خودباوری تحصیلی و اجتماعی در میان یکصد و چهل و پنج پسر و یکصد و بیست و یک دختر دانش آموز در پایه‌های هفتم تا نهم بررسی شد. آنها برحسب توانایی تقسیم‌بندی شدند. والدین، معلمان و همسالان دانش آموزان برای ارزشیابی سطح تیزهوشی، عادی و نیازهای یادگیری ویژه دانش آموزان تحت مطالعه، نمراتی دادند.

علاوه بر آن، همه دانش آموزان مزبور، مقیاسهای مربوط به خودباوری را تکمیل کردند. نتایج مشخص کردند که افراد تیزهوش، خودباوری تحصیلی و اجتماعی عالیتری در مقایسه با غیر تیزهوشان دارند.»^{۲۲}

«نوجوانان مستعد و تیزهوش با میانگین (پانزده سال و هشت ماه) دختر و پسر براساس «آزمون خودباوری بک»^{۱۳} نسبت به همسالان عادی، برتری نشان دادند، اما بر مبنای «فهرست عزت نفس کوپراسمیت»^{۱۴}، تفاوتی نداشتند؛ گرچه خودباوری و عزت نفس با یکدیگر همبستگی داشت. علاوه بر آن، افسردگی و اضطراب آنها نیز کمتر بود. فهرست اضطراب (حالت و رگه‌ای) اشپیلبرگر و آزمون افسردگی بک اجرا شد.»^{۲۳}

«خودباوری، موضع نظارت و سازگاری دانش آموزان با هوش و متوسط مورد مقایسه قرار گرفت. چهل و هشت دانش آموز عادی و پنجاه و هفت دانش آموز باهوش پایه‌های هفتم تا نهم تحصیلی (سیزده تا پانزده ساله) در این بررسی، شرکت داشتند.

نتایج نشان داد که توانایی هر دو گروه نسبت به سازگاری، مشابهت داشت؛ یعنی سازگاری، تحت تأثیر هوش قرار نمی‌گرفت. گرچه همبستگی مثبت و معنی‌داری میان هوش و خودباوری حاصل شد، اما به نظر نمی‌رسید که موضع نظارت، تحت

تأثیر هوش واقع شود.^{۲۴}

«تحلیل سؤالات «مقیاس پیرز - هاریس»^۷ در مورد خودباوری کودکان در میان یکصد و شصت و نه تیزهوش پایه‌های دوم تا نهم تحصیلی، نشان داد که خودباوری دانش‌آموزان تیزهوش، غالباً از عوامل درونی تبعیت می‌کنند و این نگرشها، در رابطه با تأثیرات خارجی و محیطی، تقریباً مصون هستند.»^{۲۵}

«غالب مطالعات و بررسیها پیرامون تیزهوشان از مقطع متوسطه تا سطح آموزش عالی، نشان از وجود «خودکفایی»، استقلال، نظارت درونی و خودباوری مثبت برتر از همسالان عادی دارد.»^{۱۶}

«بررسی خودباوری جوانان تیزهوش گویای آن است که یک جوان تیزهوش بدون خودباوری صحیح و واقع‌بینانه در حیطه هیجانی و بهره‌برداری از استعدادهای خود در راههای سازنده و رضایتبخش، دچار مسائل جدی می‌شود.

جوانان تیزهوش، غالباً از نقش تیزهوشی در زندگی، درک درستی ندارند؛ توقعات بسیار غیرواقعی آنها برای پیشرفت، در اهداف و مقاصد فعالیت‌هایشان، ابهاماتی ایجاد می‌کند. به علت ارزش فراوانی که به ابعاد شناختی می‌دهند، گاهی تیزهوشی را به عنوان نوعی استحقاق در جامعه تلقی می‌کنند. از این رو، جوانان تیزهوش در نیل به برداشت واقعی و درست از خودباوری، به کمک نیاز دارند تا انتظارات و توقعات صحیحی از خود بدست آورده و توانمندیهای هوشی خود را در راستای شایسته‌ای بکارگیرند.»^{۲۶}

تحلیل محتویات پژوهشها و بررسیهای یادشده، نشان می‌دهد که خودباوری کودکان و نوجوانان تیزهوش در بستر سن و تحول روانی، تقریباً به نحو استواری، مثبت و نیرومند است. جز در دو مورد (یک مطالعه پیش دبستانی و مطالعه دیگری در پایه هشتم تحصیلی) و نیز یک مورد متعارض در مقطع سنی پنج سال و نیم تا ده سال و نیم، بقیه مطالعات، با خودباوری نیرومندتر و برجسته‌تر در میان کودکان و نوجوانان تیزهوش، مساعدت و همراهی دارد.

به نظر می‌رسد سه مطالعه‌ای که نتایج متعارض داشته و یا دال بر خودباوری منفی بوده است، مربوط به جنبه‌های بدنی و یا اجتماعی می‌شود که برجستگی همسالان غیر تیزهوش را نشان داده است. چنان که حتی در برخی از پژوهشها به خودباوری منفی تیزهوشان در جنبه‌های بدنی و اجتماعی اشاره شده است.

با این توضیح به نظر می‌رسد که حداقل، خودباوری تحصیلی تیزهوشان در گذار

تحول سنی (پیش دبستانی تا پانزده سالگی) یک برتری و برجستگی قابل ملاحظه نسبت به همسالان عادی وجود دارد.

اما از سوی دیگر، مطالعات اندکی که در سالهای جوانی انجام یافته است، دلالت بر وجود نوعی آشفتگی در خودباوری تیزهوشان دارد. با توجه به آن که شواهد مقایسه‌ای میان جوانان تیزهوش و عادی از حیث خودباوری در دست نیست، نمی‌توان نتیجه گرفت که آشفتگی در خودباوری جوانان عادی یا متوسط از لحاظ هوشی، کمتر از تیزهوشان است. از این رو، به نظر می‌رسد که چنین ابهام و تزلزلی احتمالاً به عامل تحول (مقطع جوانی) بیش از هوش مربوط می‌شود.

نقش برنامه آموزشی

بررسی نقش و رابطه میان برنامه‌های آموزشی و تحصیلی با خودباوری و عزت نفس دانش‌آموزان تیزهوش، نتایج پیچیده و متعارض داشته است.

جمع‌بندی نتایج و یافته‌های مربوط به رابطه میان برنامه آموزشی و خودباوری دانش‌آموزان تیزهوش نشان می‌دهد که این یافته‌ها را می‌توان در دو طبقه استقلال و همبستگی جای داد و تحلیل کرد.

الف- استقلال خودباوری از برنامه آموزشی

برخی از مطالعات مربوط به برنامه سنجی از حیث خودباوری دانش‌آموز، گویای وجود یکسانی و مشابهت در این نگرش است.

«این مطالعات هیچ‌گونه تفاوتی را در خودباوری دانش‌آموزان تیزهوش تفکیکی و

عادی نشان نمی‌دهند.»^{۱۰}

عدم تغییر خودباوری دانش‌آموزان تیزهوش در چنین وضعیتی ممکن است ناشی از ضعف محتویات برنامه‌های ویژه باشد و یا دلالت بر آن داشته باشد که تیزهوشان خاصی یافت می‌شوند که از استحکام و استواری در خودباوری برخوردارند؛ یعنی محیط آموزشی و فضای تحصیلی، دگرگونی خاصی در خودباوری آنها ایجاد نمی‌کند.

ب- همبستگی خودباوری با برنامه آموزشی

بخش قابل ملاحظه و بلکه اغلب مطالعات انجام شده در حوزه خودباوری و برنامه

آموزشی، گویای وجود رابطه و بستگی نیرومند میان این دو جنبه است: «در یک بررسی مربوط به تغییرپذیری خودباوری تیزهوشان، شصت کودک تیزهوش سفیدپوست انگلیسی زبان هشت تا دوازده ساله در آفریقای جنوبی، یک دوره سه ماهه تربیتی را گذراندند. کودکان یادشده، قبل و بعد از دوره، «مقیاس پیرز - هاریس» را تکمیل کردند. آنها در مقایسه با گروه گواه، به طرز معنی داری خودباوری مثبت تر و یا منفی تری داشتند. به عبارت دیگر به همان اندازه که خودباوری در جهت مثبت، تغییر کرده بود، در جهت منفی نیز دستخوش تحول شده بود؛ یعنی افرادی که دچار مشکلات هیجانی شده بودند، تغییرات منفی در خودباوری نشان دادند.»^{۲۷}

علاوه بر این مطالعه، رابطه میان خودباوری و برنامه آموزشی در دو حیطه قابل

بررسی است:

۱- اثر تقویتی برخی برنامه‌ها

بخش گسترده‌ای از برنامه‌های تحصیلی، موجب تفاوت مثبت و یا تقویت

خودباوری دانش آموزان تیزهوش می‌شوند:

«خودباوری تیزهوشان پایه‌های دوم و سوم تحصیلی در مدارس ویژه و کلاسهای تفکیکی بیش از کلاسهای عادی، اتاقهای مرجع، و برنامه عادی بود. ویژگیهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی این دانش آموزان نیز همراه با خودباوری برجستگی داشت.»^{۲۸}

«خودباوری تیزهوشان دبستانی در یک برنامه غنی سازی تفکیکی (یک روز در هفته) با خودباوری کودکان تیزهوش در طی برنامه مقایسه شد. نتایج نشان داد که گروه نخست خودباوری عالیتتری نشان می‌دهند. گروه دوم نازلترین خودباوری را نمایاندند؛ اما نمرات خودباوری آنها از دانش آموزان عادی، بالاتر بود.»^{۱۶}

«یک پسر تیزهوش یازده ساله که براساس «مقیاس پیرز - هاریس»، نمره پایینی در خودباوری داشت، در وضعیتی قرار گرفت که می‌توانست از رایانه، بهره‌گیری آموزشی و علمی کند. مثلاً او با تعداد زیادی از بازیهای رایانه‌ای آشنا شد و علاقه و شایستگی بسیاری را در کار با رایانه نشان داد. پس از طی این دوره بهره‌وری از رایانه، مجدداً آزمون خودباوری بر روی وی اجرا شد که نمره بالایی بدست آورد و بهبودی قابل ملاحظه‌ای در عزت نفس بروز داد.»^{۲۹}

«کودکان تیزهوش تحت برنامه ویژه آموزشی، خودباوری و عزت نفس بالاتری

از همسالان تیزهوش برنامه عادی نشان دادند.»^{۱۰}

۲- اثر تضعیفی برخی از برنامه‌ها

مطالعاتی وجود دارند که حاکی از تأثیر منفی و تضعیف‌کننده برخی برنامه‌های آموزشی بر خودباوری و عزت نفس دانش‌آموزان تیزهوش هستند:

«خودباوری و عزت نفس نوجوانان تیزهوش پایه‌های متوسطه تحصیلی به طرز قاطعی بالاتر از دانش‌آموزان تیزهوش برنامه ویژه بود.»^{۱۰}

«اثرات یک برنامه ورود زودرس به دانشکده بر روی عزت نفس یکصدونه دانش‌آموز چهارده تا هفده ساله بررسی شد. دانش‌آموزان برگه بزرگسالان مربوط به فهرست عزت نفس «کوپر اسمیت» را تکمیل کردند. این اجراء در دو وهله صورت پذیرفت: در هفته شروع برنامه و پس از طی یک نیم‌دوره تحصیلی.

نتایج دو اجراء حاکی از وجود یک سقوط و نزول معنی دار و قابل ملاحظه در عزت نفس دانش‌آموزان بود. عزت نفس این دانش‌آموزان، پائینتر از عزت نفس دانشجویان بود. این استنباط وجود داشت که یافته‌ها، احتمالاً تحت تأثیر مسائل سازگاری کلی در سطح دانشکده هستند تا این که ناشی از ورود زودرس به مقطع آموزش عالی باشند.»^{۱۱}

«پنجاه و سه دختر و چهل و شش پسر پایه چهارم تحصیلی (با میانگین هوشبهر ۱۳۴/۶۳) با آزمون خودباوری پیرز - هاریس در چهار نوبت، یعنی پاییز و بهار سالهای ۸۱-۸۰ و ۸۲-۸۱ مطالعه شدند.

یافته‌ها نشان دادند که قضاوت کودکان تیزهوش در مورد تواناییهای خودشان در ارتباط با افرادی است که مستقیماً در محیط آنها وجود دارند و این قضاوت بدین معنی که قضاوت کودکان تیزهوش از آن جهت که دیگران نیز شبیه آنها بودند، انجام می‌گرفت؛ به طوری که این برداشتها، پایه‌هایی برای رقابتهای اجتماعی بوجود می‌آورند.

محقق نتیجه‌گیری می‌کنند که تفکیک کودکان تیزهوش حتی به طور جزئی ممکن است پیامدهایی در نزول خودباوری در برخی کودکان، در برداشته باشد.»^{۱۲}

به نظر می‌رسد که تأثیرگذاری برنامه‌های آموزشی بر روی خودباوری و یا پیوند آنها با یکدیگر بستگی به جنبه‌های زیر داشته باشد.

۱- امکانات و تسهیلات آموزشی و تحصیل که در داخل یک برنامه ویژه از این حیث، موجب تفاوت (مثبت و یا منفی) در خودباوری خواهد شد.

۲- هر برنامه ویژه‌ای جنبه تفکیکی دارد و عنصر تفکیک، به طور تلویحی همراه با

عنواندهی «تیزهوش» به یک دانش آموز است. معمولاً تفکیک با چنین خصوصیتی به تقویت خودباوری می انجامد.

۳- محتواها و مضامین برخی برنامه‌های ویژه، سبب ایجاد تفاوت در خودباوری دانش آموز تیزهوش می شوند محتویات ضعیف، ناتوانی را ثمر می دهد و قوت مضامین و مواد، به توان افزایی می انجامد و میزان توانایی دانش آموز تیزهوش تعیین کننده تراز خودباوری وی است.

۴- اجرای برخی برنامه‌های ویژه توأم با شکل‌گیری مقتضیات محیطی و فضای انسانی خاصی است. میزان حمایت محیطی و پیوندجویی و فقدان حمایت محیطی از سوی دانشجویان عادی، عزت نفس تیزهوشان جهشی را کاهش داده است و عامل این ناسازگاری محیطی و افسردگی، ورود زودرس بوده است. علاوه بر ورود زودرس نامناسب که منجر به ضعف در خودباوری و عزت نفس می شود، ممکن است فضای تحصیلی برنامه خاص، دانش آموز تیزهوش را دچار برخی حالات هیجانی کند که این هیجان به ضعف در خودباوری می انجامد.

نقش نوع خودباوری

تفاوت خودباوری فرد تیزهوش با غیر تیزهوش بستگی به نوع خودباوری دارد. تا کنون مطالعات مقایسه‌ای فراوانی میان کودکان و نوجوانان تیزهوش و عادی به عمل آمده است و نتایج مهمی در برداشته است. یکی از دلایل ابهام نتایج مزبور، غفلت از نوع خودباوری است که موجب سردرگمی پژوهشگران و مفسران در تحلیل یافته‌ها شده است.

ابزارهای موجود در سنجش خودباوری غالباً به سه نوع آن توجه بیشتری دارند: خودباوری تحصیلی، اجتماعی، و جسمانی که بررسی تفکیکی آنها، تصویر روشن تری را از رابطه میان هوش و خودباوری در اختیار می گذارد.

الف: خودباوری تحصیلی

بررسیهای دقیقتر نتایج مربوط به پژوهشهای تطبیقی خودباوری از حیث تراز هوشی، نشان می دهد که برجستگی و برتری خودباوری تحصیلی تیزهوشان (در مقایسه با افراد

عادی) در همه سالهای چهار تا پانزده سالگی، امری محرز و پایدار است که تاکنون پژوهش متناقضی با آن یافت نشده است:

«خودباوری شناختی تیزهوشان چهار تا هفت ساله برجسته‌تر از غیر تیزهوشان بود.»^{۳۲}

«خودباوری تحصیلی کودکان نه تا دوازده ساله تیزهوش و پیشرفته از کندذهنان و ناتوانان یادگیری، برتر بود.»^{۱۸}

«تیزهوشان ده تا دوازده ساله بیش از همسالان عادی، خود را در امر تحصیل توانمند می‌دانند.»^{۳۳}

«خودباوری تحصیلی تیزهوشان و افراد عادی ده تا سیزده ساله، بیش از ناتوانان یادگیری بود.»^{۱۹}

«خودباوری تحصیلی یکصد و چهل و هفت تیزهوش پایه پنجم تا هشتم به طرز معنی داری بیش از خودباوری اجتماعی بود و علاوه بر آن، خودباوری دانش آموزان پایه هشتم بر پایه‌های پایینتر، برتری نشان داد.»^{۱۰}

پس خودباوری تحصیلی تیزهوشان نه تنها برتر از همسالان عادی است، بلکه حتی بر اساس نتایج یکی از پژوهشهای یادشده، از خودباوریهای غیر تحصیلی (اجتماعی و جسمانی) خود تیزهوشان نیز بیشتر است.

ب: خودباوری جسمانی

نتایج دو مطالعه که به مقایسه خودباوری جسمانی نوجوانان تیزهوش و عادی توجه داشته، برتری تقریباً محرز افراد غیر تیزهوش را نشان داده است:

«مقایسه خودباوری جسمانی نوجوانان ده تا سیزده ساله تیزهوش با همسالان ناتوان در یادگیری آشکار کرد که خودباوری جسمانی نوجوانان ناتوان در یادگیری، کمی برتری دارد.»^{۱۹}

«خودباوری جسمانی دانش آموزان عادی پایه‌های هفتم و هشتم تحصیلی در مقایسه با همسالان تیزهوش، مثبت بود.»^{۱۰}

تاکنون مطالعه متناقضی در این امر بدست نیامده است. پس اگر دو مطالعه مزبور را ملاک قرار دهیم، می‌توان بر پایه آنها استنباط کرد که خودباوری جسمانی پسران و دختران عادی (حداقل در مقطع سنی ده تا چهارده سالگی) بر همسالان تیزهوش آنها برتری و امتیاز دارد، به عبارت دیگر نوجوانان تیزهوش، از حیث قابلیت‌های جسمانی،

اعتماد به نفس کم و خودباوری ضعیفی دارند.

ج: خودباوری اجتماعی

به نظر می‌رسد که حوزه پیچیده و ابهام برانگیز مطالعات تطبیقی، به جنبه اجتماعی مربوط می‌شود. در برخی از مطالعات، نتایج مهمی وجود دارد در دسته‌ای دیگر، برتری ناتوانان یادگیری دیده می‌شود و بعضی از پژوهشها برجستگی تیزهوشان را نشان می‌دهند:

«مقایسه خودباوری اجتماعی تیزهوشان چهار تاهفت ساله با همسالان عادی نتایج مبهمی داشت.»^{۳۲}

«خودباوری اجتماعی ناتوانان یادگیری ده تا سیزده ساله کمی بیش از همسالان تیزهوش بود.»^{۱۹}

«خودباوری پسران تیزهوش دبیرستانی از حیث کلی، تحصیلی و اجتماعی در مقایسه با همسالان عادی، برتری داشت، اما برای دختران، تفاوتی حاصل نشد.»^{۱۰}
«رابطه میان هویت جنسی و عزت نفس اجتماعی دویست و شصت دختر مستعد و تیزهوش پایه‌های دوم و سوم متوسطه در یک دوره چهارده ماهه، مورد بررسی قرار گرفت.»

نتایج مطالعه آشکار کرد که در عضویت گروهی و طبقه‌ای، طی مدت مزبور، تنوع اساسی رخ داده است، اما رابطه میان عضویت گروهی و طبقه‌ای با عزت نفس اجتماعی، نسبتاً استوار باقی ماند.»^{۳۴}

«مطالعه بر روی دویست و هشتاد و چهار دختر تیزهوش و مستعد دبیرستانی که خود را واجد خصوصیات هر دو جنس تصور می‌کردند، نشان داد که خونگرمیهای کفایت اجتماعی و عزت نفس بالاتری بر اساس «فهرست رفتار اجتماعی تگزاس»^۹ داشتند.»^{۱۰}

روشن‌ترین یافته در این باب، برتری محرز خودباوری اجتماعی پسران تیزهوش دبیرستانی است. اگر این یافته را ملاک تفسیر و بررسی سایر مطالعات مذکور قرار دهیم، به نظر می‌رسد که خودباوری اجتماعی، دارای یک اساس محرز جنسیتی (مذکر) است؛ لذا هر جا که جنسیت مؤنث، خود را دارای برخی ویژگیهای مردانه انگاشته است، خودباوری و عزت نفس اجتماعی وی نیز افزایش داشته است.

از سوی دیگر، استنباط می‌شود که تأثیرپذیری محیطی جنسیت مؤنث در خودباوری

اجتماعی، بیشتر است؛ از این رو، عضویت‌های گروهی و طبقه‌ای بر روی عزت نفس اجتماعی دختران نوجوان تیزهوش تأثیر می‌گذارد.

در مقطع پیش دبستانی نیز ظاهراً نوعی تعادل میان جنسیت و استعداد در رابطه میان هوش و خودباوری اجتماعی وجود دارد. نوعی ناهمگونی جنسیتی در میان دو گروه مقایسه‌ای دیده می‌شود؛ یعنی در میان تیزهوشان مورد مطالعه، نوعی غلبه جنسیتی برای دختران وجود داشته و در میان همسالان غیر تیزهوش، پسران بیشتری یافت شده‌اند. اگر رابطه میان خودباوری اجتماعی را با جنسیت مدگر پذیریم، این امر موجب بروز نوعی ابهام در نتیجه مطالعه شده است. و یا آن‌که نوع استعداد در این امر، دخالت دارد؛ یعنی برجستگی‌های تحصیلی و احتمالاً خلاقیت تیزهوشان پیش دبستانی، موقعیت‌های اجتماعی مطلوبی را برای آن‌که در میان همسالان فراهم نمی‌آورند تا منجر به خودباوری مثبت اجتماعی شود. لذا نتایج مطالعه، مبهم بوده است. نظیر همین تأثیر را در مطالعه دیگر می‌توان مورد بررسی قرار داد. در مطالعه مربوط به مقایسه خودباوری اجتماعی ناتوان در یادگیری و تیزهوشان، - که برجستگی قابل توجهی به سود ناتوانان در یادگیری بدست آمد - به نظر می‌رسد که نوعی دخالت را باید برای عامل استعداد در نظر گرفت. ظاهراً ناتوانی در یادگیری گروه مقایسه‌ای، در زمینه مواد درسی علوم پایه و ریاضی است و احتمالاً دانش آموزان مزبور دارای قابلیت و کفایت اجتماعی برجسته‌ای هستند که در قیاس با تیزهوشان تحصیلی (علوم پایه و ریاضی)، خودباوری اجتماعی برجسته‌ای نشان داده‌اند.

با توضیحات فوق به نظر می‌رسد که رابطه میان خودباوری اجتماعی و هوش، بستگی به عوامل جنسیت و استعداد دارد.

نقش ابزارها

برای سنجش و تشخیص خودباوری، عزت نفس و مفاهیم مربوط به آنها، از آزمون‌ها و ابزارهای گوناگون استفاده می‌شود؛ ولی برخی از آنها از رواج و استعمال بیشتری برخوردارند. متداولترین آزمون‌های موجود در مطالعات و پژوهش‌ها را ابزارهای زیر تشکیل می‌دهند:

«مقیاس خودباوری پیرز- هاریس»^۶، «فهرست عزت نفس کوپراسمیت»^۵، «مقیاس خودباوری تنسی»^۸، «مقیاس خودباوری تحصیلی»^۱، «فهرست رفتار اجتماعی تگزاس»^۹، «سؤالیه اسنادهای شخصی»^۶، «مقیاسهای موضعگیری و ارزش اجتماعی کودکان»^۴، «آزمون شخصیتی کالیفرنیا»^۳، «آزمون خودباوری بک»^۲.
بکارگیری و استعمال آزمونها و ابزارهای یادشده در مطالعات تطبیقی خودباوری افراد تیزهوش و عادی نتایج متفاوت و پراکنده‌ای داشته است:

«مقیاس پیرز- هاریس در میان کودکان ۹ تا ۱۲ ساله نشان داد که خودباوری کلی برجسته در میان تیزهوشان و دانش‌آموزان پیشرفته تحصیلی یافت شد و در مقایسه، عقب‌ماندگان و ناتوانان یادگیری، خودباوری پایینی بروز دادند»^{۱۸}
«بر اساس مقیاس پیرز- هاریس در میان دانش‌آموزان پایه‌های دوم تا نهم تحصیلی آشکار شد که خودباوری تیزهوشان غالباً از عوامل درونی (نه خارجی) تبعیت می‌کند»^{۲۵}

«اجرای مقیاس پیرز- هاریس نشان داد کسانی که دچار مشکلات هیجانی بودند، خودباوری منفی بروز دادند. این مطالعه در میان دانش‌آموزان هشت تا دوازده ساله انجام شد»^{۲۷}

«تأثیر جداسازی آموزشی بر روی خودباوری تیزهوشان پایه چهارم، بر اساس «مقیاس پیرز- هاریس»، قبل و بعد از آموزش نشان داد که تفاوت‌های موجود در خودباوری دانش‌آموزان، بستگی به سطح هوش دارد. تیزهوشان دارای هوش پایینتر، خودباوری کمتری نیز نشان دادند.»

«ظاهراً کلیه مطالعاتی که بر مبنای «مقیاس پیرز- هاریس» انجام شده، برتری عزت نفس و خودباوری تیزهوشان را نشان داده است»^{۱۹}

«خودباوری ۱۵۹۳ دانش‌آموز تیزهوش (۱۳۷ IQ بر پایه استانفورد - بینه) پایه دهم تحصیلی بر اساس «مقیاس پیرز- هاریس» بالاتر از هنجار و سطح عادی بود؛ اما عزت نفس (بُعد عاطفی خودباوری) آنها بر مبنای «فهرست عزت نفس کوپراسمیت»^۵ در تراز عادی و متوسط قرار داشت»^{۱۹}

«فهرست عزت نفس کوپراسمیت نشان داد که رابطه‌ای میان خلاقیت و عزت نفس وجود ندارد.»

«فهرست رفتار اجتماعی تگزاس»^۹، عزت نفس برجسته‌ای را برای دختران نوجوان تیزهوش و مستعد در مقایسه با همسالان عادی نشان داد»^{۱۹}

«پسران تیزهوش دبیرستانی براساس «مقیاس خودباوری تنسی»^۸ از همسالان خود در خودباوری کلی، اجتماعی و تحصیلی برتر بودند»^{۱۰}

«مقیاس خودباوری تنسی، ارزش شخصی و اعتماد به نفس بالاتری را برای تیزهوشان پایه هفتم تحصیلی در مقایسه با همسالان غیرتیزهوش نشان داد؛ اما در پایه هشتم، خودباوری بدنی برتری برای دانش‌آموزان عادی بدست آمد»^{۱۰}

«براساس آزمون شخصیت کالیفرنیا^۳ و مقیاسهای موضعگیری و ارزش اجتماعی کودکان، خودباوری تحصیلی و اجتماعی تیزهوشان پایه سوم، برتری داشت»^{۱۶}

«فهرست کوپراسمیت نشان داد که عزت نفس پسران تیزهوش چهارده ساله بالاتر از همسالان عادی است»^{۲۱}

«خودباوری نوجوانان تیزهوش ۱۵/۸ ساله براساس آزمون بک، بالاتر از همسالان عادی بود؛ اما عزت نفس آنها براساس فهرست کوپراسمیت، تفاوتی را نشان نداد»^{۲۳}

«مقیاس پیرز - هاریس» در گستره تحولی و سنی هشت تا هفده سالگی در هر دو جنس، نتایج سودمندی برای تیزهوشان داشته است؛ اما سودمندی مقیاس تنسی برای تیزهوشان بستگی به جنس مذکر، نوع خودباوری (غیربدنی)، و پایه تحصیلی (هفتم) داشته است.

در چهار مطالعه‌ای که از ابزار «کوپراسمیت» استفاده شده است، در سه مطالعه، هیچ تفاوتی میان دو گروه مقایسه‌ای (تیزهوش و عادی) حاصل نشده است و تنها در یک مطالعه، پسران تیزهوش نوجوان (چهارده ساله) در مقایسه با همسالان عادی، عزت نفس برتری داشتند.

در تبیین نتایج فوق می‌توان نکات زیر را مورد نظر قرار داد:

۱- بر مبنای این ابزار (فهرست کوپراسمیت)، عزت نفس «مستقل» از هوش است؛ چنان که در سه مطالعه از چهار مطالعه فوق، تفاوتی میان تیزهوشان و افراد عادی مشاهده نشده است.

۲- رابطه «عزت نفس» و «هوش» بستگی به نوع تیزهوشی دارد. تشابه عزت نفس تیزهوشان و افراد عادی محدود به نوع خلاقیت می‌شود و برای انواع دیگر تیزهوشی نظیر تیزهوشی تحصیلی، رهبری و ... تعمیم‌پذیر نیست.

۳- رابطه عزت نفس و هوش بستگی به ویژگیهای تحولی دارد؛ چنان که در دو مطالعه،

میان تیزهوشان و افراد عادی ۱۵/۸ ساله و یا ۱۶ ساله تفاوتی مشاهده نشده است؛ اما در مقاطع تحولی دیگر، باید بررسی دقیقتری انجام گیرد.

۴- رابطه عزت نفس و هوش بستگی به جنسیت دارد؛ چنان که در یکی از مطالعات، نشان داده شده است که عزت نفس دختران و پسران ۱۵/۸ ساله تیزهوش، مشابه همسالان عادی است. از آن سو، براساس یک مطالعه دیگر - در همین فضای فرهنگی و اجتماعی - پسران نوجوان (چهارده ساله) تیزهوش، عزت نفس برتری نسبت به همسالان عادی خود نشان دادند.

بر این مبنا به نظر می‌رسد که رابطه عزت نفس با هوش، محدود به جنسیت مذکر می‌شود و آنچه که باعث تشابه و آمیختگی نتایج مطالعه نخست شده است، احتمالاً عزت نفس برتر دختران عادی بوده که منجر به عدم تفاوت دو گروه مقایسه‌ای تیزهوش و عادی شده است.

۵- علی‌رغم آن که مطالعاتی وجود دارند که از پیوند «خودباوری» و «عزت نفس» حکایت می‌کنند، اما اصولاً عزت نفس و خودباوری از همبستگی مستحکم و استواری برخوردار نیستند؛ یعنی عناصر و سازه‌هایی که هر یک می‌سازند با مؤلفه‌های دیگری کاملاً مشابه و یکسان نیست. از این رو، نتایج مطالعات مقایسه‌ای تیزهوش و عادی دچار ابهام و آمیختگی شده‌اند. اگر این نکته را بپذیریم، استنتاج می‌شود که ضروری است تا مطالعات مقایسه‌ای مزبور با تفکیک عزت نفس و خودباوری انجام گیرد.

۶- اگر بپذیریم که خودباوری و عزت نفس از رابطه مستحکمی برخوردارند، تنها نکته‌ای که باقی می‌ماند آن است که بنظر می‌رسد، فهرست کوپراسمیت قادر نیست عزت نفس افراد تیزهوش را از افراد عادی، متمایز و مشخص کند.

سایر ابزارها، نتایج مساعدی از حیث خودباوری برتر برای جامعه تیزهوش به همراه داشته‌اند. با این توضیح به نظر می‌رسد که رابطه میان هوش و خودباوری بستگی به نوع ابراز دارد.

یادداشت‌ها:

- | | |
|--|---|
| 1- Academic Self - Concept Scale | 6- Personal Attributes Questionnaire |
| 2- Beck Self - Concept Test | 7- Piers - Harris Children's Self - Concept |
| 3- California Test of Personality | 8- Tennessee Self- Concept Scale |
| 4- Children's Social Attitude and Value Scales | 9- Texas Social Behavior Inventory |
| 5- Coopersmith Self - Esteem Inventory | |



منابع:

- ۱۰- اژه‌ای، جواد و ترخان، مرتضی، بررسی رابطه بین موضع نظارت، عزت نفس و پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان تیزهوش و عادی، مجله استعدادهای درخشان، سال دوم، (۱۳۷۲)، صفحات ۳۸۵-۳۹۷.
- ۱۱- دادستان - پریخ و فتیحی آشتیانی، علی، بررسی تحوّل تصوّر از خود، حرمت خود، اضطراب و افسردگی در نوجوانان تیزهوش و عادی، مجله استعدادهای درخشان (۱۳۷۵)، صفحات ۷-۳۳.
- ۱۲- کاظمی حقیقی، ناصرالدین، روان‌شناسی کودکان تیزهوش و روشهای آموزش ویژه، سایه نما، تهران، ۱۳۷۶، صفحه ۱۴۰.
- ۱۳- کاظمی حقیقی، ناصرالدین، عوامل مؤثر بر بازخورد تیزهوش، مجله استعدادهای درخشان (۱۳۷۱) صفحه ۳۷۸.



- 14- Adams, P. (1982). Using a personal computer to build self- esteem, Australian Writings, 116.
- 15- Brown, & Karnes (1982). Representative and nonrepresentative items for gifted students on the Piers - Harris Children's Self- concept Scale, Psychological Reports. 151 (3pt1), 781-790.
- 16- Chaudhari & Sanjukta (1992). A study of self- concept, locus of control and adjustment of control and adjustment of intellectually superior and normal students , Indian Journal of Behavior, 16 (3), 24-26.
- 17- Chauvin & Sanjukta (1984). Perceptions of leadership characteristics by gifted elementary students, Roeper Review 6(4), 230-240.
- 18- Chovan & Morrison (1984). Correlates of self- concept among variant children. Psychological Reports, 54(2), 536-538.
- 19- Coleman & Fults (1983). Self-concept and the gifted child, Roeper Review 5(40).
- 20- Coleman & Fults (1985). Special class placement, level of intelligence and the self-concepts of gifted children, Remedial and special Education, 6(1), 7-12.
- 21- Davise & Connell (1985). The effect of aptitude and achievement statues on the self- system.

- Gifted Child Quarterly*, 29(3),131-136.
- 22- **Horowitz & O'Brien (1985)**. *The gifted and talented. Developmental perspectives.*(APA). 160-163.
- 23- **Hung, Ju-Yih (1982)**. *Psychological characters among the mentally retarded, and gifted students in Junior high school*, *Bulletin of Educational Psychology*, 15,162-193.
- 24- **Janos & et al. (1985)**. *Self- concept, self- esteem, and peer relations among gifted children who feel different*, *Gifted Child Quarterly*, 29(2), 78-82.
- 25- **Kaplan, Leslie, (1983)**. *Mistakes gifted young people too often make*. *Roeper Review*, 6 (2), 73-77.
- 26- **Kelly & Colangelo (1984)**. *Academic and social self - concepts of gifted, general and special students*. *Exceptional Children*, 50(6), 551-554.
- 27- **Kittano & Kirby (1986)**. *Gifted Education*. Little, Brown, 61-63.
- 28- **McEwin & Cross (1982)**. *A comparative study of perceived victimization, perceived anonymity, self- esteem, and preferred teacher characteristics of gifted and talented and non-labeled early adolescents*. *Journal of Early Adolescence*, 2(3), 247-254.
- 29- **Moon & Chung (1992)**. *Korean gifted and non- gifted children's attitudes towards family, teacher, friend and self as assessed by sentence completion tests*. *Talent for the Future*. Van Gorcum & Comp, 213-221.
- 30- **Solano, Cecilia (1983)**. *self-concept in mathematical gifted adolescents*, *Journal of Psychology*, 108 (1), 33-42.
- 31- **Simmons & Zumpf (1986)**. *The gifted child: perceived competence, prosocial moral reasoning, and charitable donations*, *Journal of Genetic Psychology*. 147 (1), 97-105.
- 32- **Stander, Cora (1984)**. *Self-concept changes of gifted children*, *South African Journal of Psychology*, 14(3), 90-94.
- 33- **Williams & et al. (1997)**. *The creativity / self- concept relationship reviewed*, *Australian Psychologist*, 12 (3), 313-317.
- 34- **Winne & et al.(1982)**. *Comparability of self- concept among learning disabled, normal and gifted students*, *Journal of Learning Disabilities*, 15(8), 470-475.